

نکاتی دربارهٔ مقالات انجامه در نسخ خطی

محسن جعفری مذهب*

مقاله مفصل و مفید استاد افشار دربارهٔ انجامه^۱، آغازنامهٔ «انجامه‌شناسی» در زبان فارسی است. دسته‌بندی انجامه از لحاظ اصطلاحات، قلمرو، آرایه‌ها، خط، زبان، ... و ارائه نمونه‌های فراوان برای هرکدام از آنان، حاصل عمری پژوهش و تجربه در نسخه‌های خطی و فهرست‌های گوناگون کتابخانه‌های جهان است. توجه به انجامه‌نویسی فارسی و ایرانی، نکته اساسی مقاله می‌باشد.

مقالهٔ استاد افشار، فرصت مناسبی به دست پژوهشگران نسخه‌شناسی می‌دهد تا هرکدام از محورهای آن را، موضوع پژوهشی مستقل کنند و چه بسا پایان‌نامه‌ای در کتابداری و نسخه‌شناسی شکل گیرد.

طرح چند بحث و سؤال را دربارهٔ انجامه، ادامهٔ بحث استاد می‌دانم:

«بصره واجب، به دلیل عنوان مقالهٔ انجامه، در این نگاشته همیشه فقط از انجامه استفاده می‌شود و نه مترادف‌های آن».

۱. چرا عنوان انجامه: استاد افشار ضمن بر شمردن چندین واژه فارسی و عربی و اشاره به «دو سه اصطلاح دیگر عربی و ترکی» (ص ۳۹) - که کاش این دو سه اصطلاح به‌ویژه ترکی را جهت اطلاع من برمی‌شمردند - سرانجام واژهٔ انجامه را بر دیگر مترادفاتش ترجیح داده‌اند، بدون آن‌که علت این ترجیح را بفرمایند. تردید ندارم که روشن نمودن این امر از واجبات گسترش «انجامه‌شناسی» در زبان فارسی است. چه

* کتابخانهٔ ملی جمهوری اسلامی ایران، تهران.

۱. دفتر پنجم، بهار - تابستان ۱۳۸۱ ه.ش، ص ۱۰۰-۳۹.

به‌ظاهر انجامه باید انجام کتاب را بنمایاند، درحالی‌که گاه کلفون یا انجامه در آغاز کتاب می‌آمد (که نمونه‌هایی بعداً خواهیم دید).

۲. **کلفون:** بدون تردید دانش نسخه‌شناسی، در سرزمین ما شکل نگرفته و فهرست‌نگاران و کتابداران ما از نسخه‌شناسی به‌صورت فنّ (تکنیک) بهره می‌بردند و نه دانش (Knowledge) و شاید علم (Science). لذا طرح انجامه‌شناسی در ادامهٔ نسخه‌شناسی از کتابداری نوین غربی متأثر است و انجامه در برابر کلفون قرار داده شده است. شاید مفید بود دربارهٔ واژهٔ کلفون، ریشه و تعریف آن در نسخه‌شناسی غربی هم اشاره می‌شد.

در اوایل سدهٔ دهم هجری/شانزدهم میلادی، پس از انتقال گزارش چاپ کتاب به‌صفحهٔ عنوان، عملاً کلفون‌نویسی از انتهای نسخه‌های چاپی رخت بریست.

کلفون از نام شهر یونانی کلفون (Colophon) واقع در شمال غربی شهر لیدیایی افسوس در ترکیه امروزی گرفته شده است که مردمش به‌جنگ‌جویی شهره بودند و هرطرف که آنان در آن سو می‌جنگیدند جنگ را با پیروزی به‌پایان می‌رساندند. اراسموس رتردامی (۱۵۳۶-۱۴۶۶ م) در پایان یکی از کتاب‌هایش به‌زبان لاتین نوشت: Colophonen

Abidi به‌معنی: «نشانهٔ آخر را بر آن گذاشته‌ام» یعنی کتاب را تمام کردم. از این زمان کلفون را برای انجامهٔ کتاب به‌کاربردند.^۱

کهن‌ترین کلفون موجود در نسخه‌های خطی، در کتاب پیامبران موسی بن آشهر طبرانی (تیبیریسی) به‌سال ۲۱۲ هـ/۸۲۷ م موجود است. سمعاح بن یهودا در کلفون کتاب مصوّر مزهوّر و رمز به‌سال ۶۷۱ هـ/۱۲۷۲ م ذکر کرده است که این کتاب را در چهار هفته به‌پایان برده است.^۲

با آغاز صنعت چاپ، کلفون، به‌همراه بعضی دیگر از سنت‌های نسخه‌نویسی، به‌صنعت چاپ نیز راه یافت. یکی دیگر از موارد استفاده از واژه کلفون، در چاپ بود

1. Glaister, Geoffery Ashall: *Encyclopedia of the Book*, New Delhi, Castle, 1996, p.103.

2. Idem, Ibid.

که بعدها واژه Device (علامت) برای آن انتخاب شد و عبارت از مهر یا نقش یا طرحی بود که در ابتدا یا انتهای نسخه ثبت شده و بیشتر معرف علامت تجاری (Trade Mark) برای ناشر یا چاپخانه بود. کهن‌ترین علامت شناخته شده در کتب چاپی متعلق به سال ۸۶۶ هـ/۱۴۶۲ م است که فوست و شوهر علائم خود را بر کتاب مقدس لاتینی (Biblia Latina) زدند. در وین نسخه‌ای از مزامیر ماینتس وجود دارد که علامت سال ۸۶۱/۱۴۵۷ م بر خوردارد، اما گمان می‌رود که بعدها به نسخه افزوده شده باشد.^۱

فرانسوی اول در سال ۹۴۶/۱۵۳۹ م فرمانی صادر کرد که ناشران و کتابفروشان را مجبور می‌کرد از علامت‌های ویژه خود استفاده کنند. در اوایل سده دهم هجری/ شانزدهم میلادی، پس از انتقال گزارش چاپ کتاب به صفحه عنوان، عملاً کلفون‌نویسی از انتهای نسخه‌های چاپی رخت بریست.^۲

تا اوایل سده چهاردهم هجری/ بیستم میلادی هنوز کلفون‌نویسی در نسخه‌های چاپ سنگی و حتی چاپ سربی فارسی ادامه داشت و نمونه‌های فراوانی از آن را می‌توان دید.

۳. اصطلاح انجامه در کهن‌ترین نسخه: با آن‌که در مقاله استاد افشار و مقالات پیش از آن و پس از آن - که بعداً به آن‌ها اشاره خواهد شد. به کهن‌ترین انجامه موجود اشاره شده اما نشان داده نشده که کهن‌ترین اشاره به انجامه در کجا بوده است؟ انجامه‌نویس (یا ترقیمه‌نویس یا کلفون‌نویس یا...) چه نامی بر انجامه خود داده است؟ آیا خود متوجه هویت مستقل انجامه بوده است یا نه؟ اگر بوده، آن را چگونه تعریف یا نامگذاری کرده است؟

استفاده مجازی و استعماری و تشبیهی از کلمات به کار برده شده در این باره، با وجود ارزشمند بودن، از ارزش علمی برخوردار نیست.

۴. چرا انجامه اسناد نه: در تعریف اسناد افشار نیامده که چرا انجامه اسناد مورد بحث قرار نگرفته است. مگر نه آن‌که «انجامه = گزارش تهیه» است و در پایان اسناد

1. Idem, p.136.

2. Idem, Ibid.

می‌آمد: «در تاریخ... ماه... سال... در مقام... و شهود...» و در آغاز مصالحه نامه‌ها می‌آید: «حاضر شدند در محضر شرع فلان و فلان در تاریخ... ماه... سال...» چرا این گزارش‌ها که در قدیمی‌ترین اسناد موجود اسلامی منتسب به پیامبر اسلام (ص) نیز آمده‌اند جزء انجامه و یا کلفون محسوب نشده‌اند؟

۵. انجامهٔ جغرافیایی: اسناد افشار اشاره

کرده‌اند که ۴ منطقهٔ جغرافیایی تولید انجامه فارسی عبارت‌اند از: ماوراءالنهر، هندوستان، بلاد عثمانی و عربی.

آیا همین تفکیک جغرافیایی انجامه‌ها ما را وا نمی‌دارد که خصوصیات هر دسته از انجامه‌های جغرافیایی را مشخص کنیم. آیا می‌توان اثر انجامه‌های بودایی، سانسکریت و

تا اوایل سدهٔ چهاردهم هجری / بیستم میلادی هنوز کلفون‌نویسی در نسخه‌های چاپ سنگی و حتی چاپ سربی فارسی ادامه داشت و نمونه‌های فراوانی از آن را می‌توان دید.

شاید زردشتی را در انجامه‌های فارسی شبه قاره دید؟ و اثر انجامه‌های بودایی، چینی، سُعدی و اویغوری را در انجامه‌های فارسی ماوراءالنهر؛ اثر انجامه‌های رومی، بیزانسی، اسلاوی و ژرمنی را در انجامه‌های فارسی بالکان و قفقاز؛ و اثر انجامه‌های یونانی، هیراتیک و حبشی را در انجامه‌های فارسی خاورمیانهٔ عربی.

و آیا می‌توان حتی مناطق ایران تاریخی را دسته‌بندی کرد و مثلاً گفت: انجامه‌های ماوراءالنهری؛ انجامه‌های خراسانی؛ انجامه‌های عراقی؛ انجامه‌های آذربایجانی؛ انجامه‌های شروانی!

۶. زبان و فکر: اگر زبان و کلام و خط و نقّاشی را ابزارهایی در انعکاس افکار

انسان بدانیم، می‌توان از اعمال و کردار و نوشتهٔ شخص به‌اندیشه او راه برد.

اهمیت ارتباط زبان و فکر در انجامه‌شناسی از دو جهت است:

الف - ارتباط صرفی و نحوی واژه‌ها و اجزای انجامه: در این حالت تقدّم فعل بر فاعل و مفعول (مانند زبان عربی) به‌انجامه‌ها سرایت می‌کند و ترکیب اجزای انجامه مطابق با همان تفکر نویسنده (عرب یا عرب‌زبان یا عربی‌نویس) بر کاغذ جاری

می‌شود. گاه ترکیب عربی انجامه، نشان‌دهنده نویسنده غیرعرب آن است که نمی‌تواند زبان فکری خود و زبان نوشتاری خود را باهم تطبیق دهد.

ب - جهان‌بینی و جهان‌شناسی: جهان‌شناسی کاتب که همیشه ابزاری برای سفارش‌دهنده نیست. گاه در انجامه‌ها به‌ظهور می‌رسد. معمولاً اصالت انجامه و نهاد آن «فعل» است چه ترقیم، چه تسوید، چه تنمیق، و کاتب معمولاً خود را از آن فارغ می‌بیند و آن را به‌اتمام می‌رساند.

کمتر کاتبی را می‌بینیم که نهاد انجامه را به‌غیر از لعل اختصاص دهد. این کاتبان تمنیات درونی خود را نشان می‌دهند. نمونه‌های خوب را در مقاله «انجامه» می‌بینیم:

- اصالت کاتب

- اصالت کتاب

- اصالت حالت کتابت

- اصالت ابزار کتابت، مانند قلم: «قد استراح قلمی من ترقیم هذه الكلمات...»؛ دست: «دیگر دست از تحریر عاجز شد التماس می‌نماید که بس است...» باید تأکید کرد فرق است بین دسته‌بندی انجامه‌ها براساس تقسیم‌بندی ارائه شده در مقاله، و تفکیک نهاد و گزاره در انجامه، که خاستگاه فکری نویسنده را می‌نمایاند.

۷. تدوین منحنی کتابت: در مقاله انجامه خواندیم که مدت کتابت نسخه در انجامه می‌آمده. همچون: «کتاب موصوف در عرضة یک ماه به‌اختتام رسانید...» یا «در کمال سرعت و شتاب پانزده روزه تحریر شد...». این‌گونه انجامه‌ها ارزش تدوین منحنی کتابت را دارند. یعنی می‌توان کتاب را به ۳۰ بخش (یک ماه) یا ۱۵ بخش تقسیم کرد. عاقلانه این است که درنظر آوریم کتابت صبح کتابت را آغاز می‌کرده و غروب به‌انجام می‌رسانده است، و طبیعی است که توان جسمی او اجازه کار یکنواخت را نمی‌داده، لذا هر روز صبح که از خواب برمی‌خاسته و صبحانه‌ای می‌خورده و آغاز به‌کار می‌کرده است، خط او یکنواخت‌تر و خوش‌تر بوده و نزدیک غروب از اوج آن فروکاسته می‌شده است و صبح روز بعد باز همین‌طور.

باز عاقلانه این است که در نظر آوریم کاتب جمعه‌ها را به استراحت و عبادت‌های جمعی می‌گذرانده است و می‌توانیم در نظر آوریم که کاتب در ماه رمضان به دلیل روزه‌داری کمتر کار می‌کرده و از دقت کمتری نیز برخوردار بوده است.

بدین ترتیب می‌توان کتابی را که در ۱۵ روز نوشته شده، به ۱۵ بخش تقریباً مساوی تقسیم کرد و فراز و فرود نثر و خط کاتب را مشخص کرد. این چنین انجامه‌هایی ارزشی چند برابر دیگر انجامه‌ها دارند، زیرا از پروسهٔ تهیه کتاب، گزارش بی‌بدیلی به ما ارائه می‌دهند.

۸. ورود دانش گاه‌شماری به مبحث انجامه: از مهم‌ترین ضعف‌های علوم انسانی به‌ویژه در کشور ما، نقلی بودن استنادات علمی است. خوب است در بحث انجامه‌شناسی، گاه‌شماری بیشتر به کار آید و در شناخت مشکلات نسخه‌شناسی یاری رساند.

مثلاً در نمونه شماره ۳۴۴ مقالهٔ انجامه می‌خوانیم: «یوم الاربع رابع عشر ربیع‌الاول فی سنهٔ سبع و سبعین و خمسمائة...» آیا واقعاً ۱۴ ربیع‌الاول سال ۵۷۷ چهارشنبه بوده است؟

تقویم تطبیقی ووستنفلد می‌گوید که اول ربیع‌الاول سال ۵۷۷ برابر چهارشنبه بوده است. پس روز ۱۴ ربیع‌الاول باید پنجشنبه باشد. البتّه با توجه به قراردادی بودن تعداد روزهای ماه در تقویم ووستنفلد، این یک‌روز قابل اغماض است. اما آیا در همه موارد چنین تطبیقی را انجام می‌دهیم؟

نمونه ۳۸۳ می‌گوید که: ۱۱ رمضان ۹۷۱ هجری روز شنبه بوده است. اگر اولین روز رمضان سال ۹۷۱ پنجشنبه باشد (با یک‌روز اغماض) ۱۱ رمضان روز شنبه است که براساس تقویم ووستنفلد درست است.

نمونه ۳۸۴ می‌گوید که: ۱۲ ذی‌قعدة ۹۷۵ روز دوشنبه است که با اغماض یک‌روز درست است.

نمونه ۴۱۵ می‌گوید که: ۱۴ شوال سال ۷۳۲ هجری روز سه‌شنبه است، در صورتی که اول شوال روز جمعه باشد. ۱۴ شوال باید روز پنجشنبه - و شاید چهارشنبه - باشد

و نمی‌تواند سه‌شنبه باشد. به‌همین دلیل در تصحیح متون و تاریخ‌گذاری آن‌ها براساس انجامه، نباید نقش گاه‌شماری را دست‌کم گرفت.

برای خودم جالب بود که در انجامه‌های ارائه شده به‌ویژه به‌گاه‌شماری ترکی، هیچ اشاره‌ای به‌گاه‌شمار «خانی» که در سال ۷۰۲ هجری به‌دست‌غازان خان مغول بنیاد نهاده شد نیامده و ظاهراً غیر از کتیبه معروف موزه سور به‌همراه گاه‌شماری‌های دیگر به‌کار نرفته است. فقط در سکه‌های سال ۷۳۳ هجری و چند سند جلایری به‌سال‌هایی از این گاه‌شماری اشاره رفته است.

۹. تصویری در صفحه ۶۳ به‌نمایش درآمده که عبری-فارسی معرفی شده^۱ درحالی که پهلوی-فارسی است. هرچند جای انجامه‌ای «فارسیهود» که ویژه کتابت یهودیان فارسی زبان ایران، افغانستان و ماوراءالنهر است، در این مقاله خالی است.

۱۰. مقاله دکتر پورجوادی در «اهمیت انجامه‌ها در شناخت تاریخ فرهنگی شهرها» هرچند به‌گوشه‌ای از اهمیت انجامه‌ها اشاره دارد، اما کاش از نسخه‌های شش‌گانه توصیف شده بهره‌برداری می‌شد و به‌شناخت تاریخ فرهنگی شهرها کمکی می‌کرد. اگر اشاره به‌شش نسخه فلسفی، نشانگر علاقه مردم شهرهای موصوف به‌فلسفه باشد پس اشاره به‌شش نسخه طبّی نیز نشانگر علاقه مردم شهرهای مذکور به‌طبّ است؟! گرایش علمی شهرهایی به‌مسائل علمی مختلف، مطمئناً نیاز به‌نسخه‌های بیشتری و بهره‌گیری از علم آمار دارد تا بتوان قضاوت عادلانه‌تری کرد.

۱۱. مقاله دکتر عارف نوشاهی در «ترقیمه نمونه» بسیار جالب و دربرگیرنده تقریباً همه ارکان انجامه‌هاست. هرچند ایشان مهم‌ترین رکن انجامه را تاریخ کتابت و نام کاتب می‌دانند (که جای بحث دارد) اما استدلال ایشان بر این‌که «تاریخ کتابت را بدان جهت بر شخص کاتب مقلّم داشته‌ام...» نشان از دید علمایی ایشان در استدلال بر ترجیح ارکان انجامه دارد.

۱. نک: یادداشت «دو نکته درباره تاریخ انجامه و نسخه» از عبدالرحمن عمادی، «نامه بهارستان»، سال سوم، شماره دوم، دفتر ۶، پاییز - زمستان ۱۳۸۱ ه.ش، ص ۶-۵۰۵.

۱۲. «انجامه شاهنامه فلورانس» تألیف آیدین آغداشلو، نقش هنر را در سالیابی انجامه‌ها نشان می‌دهد که پیشتر مغفول مانده بود.

۱۳. مقاله «ترقیمه‌ها و مَهرها و عرض دیده‌ها» نشان از توجه فارسی‌زبانان شبه قاره به انجامه‌شناسی دارد. نمونه‌های فراوان در اصل کتاب و مقالات آن، گنجیه ارزشمندی از انجامه‌ها را به‌نمایش می‌گذارد و ترجمه بعضی از مقالات را بایسته می‌گرداند.

۱۴. مقاله خانم دکتر مزدپور در معرفی «بن‌نوشت‌های کهن»، اثر میراث زردشتی بر انجامه‌نویسی فارسی را به‌خوبی نمایان ساخته است. در متون زردشتی بن‌نوشت را علاوه بر آغاز و انجام نسخه می‌توان دید بلکه گاه در میانه نوشته کاتب مطلبی می‌افزاید. (ص ۲۵۶)

۱۵. اندکی پس از چاپ نشریه نامهٔ بهارستان (دفتر پنجم)، دایرةالمعارف کتابداری و اطلاع‌رسانی، به‌ویراستاری دکتر عباس حرّی در انتشارات کتابخانهٔ ملی جمهوری اسلامی ایران به‌چاپ رسید.

بیشتر مدخل‌های نسخه‌شناسی این دایرةالمعارف به‌قلم استاد نسخه‌شناسی نجیب مایل هروی به‌نگارش درآمده است. از بدایع دایرةالمعارف‌نویسی در کشورمان همین بحث «انجامه» است که در این دایرةالمعارف هم مدخل «انجامه» آمده و هم مدخل «ترقیمه». و احتمالاً در جلدهای آینده مدخل «کلفون» را نیز خواهیم دید.

- مقاله «انجامه» به‌قلم نجیب مایل هروی است که انصافاً مقاله مفید و منسجمی است. هرچند فقط ۶ صفحه را دربرگرفته است. در این مقاله نیز نقش کلفون کمرنگ (فقط در حد اشاره) است و هیچ‌اشاره‌ای به‌قدیم‌ترین اشاره به‌انجامه یا ترقیمه (یا هر اصطلاح هر معنی دیگر) نشده و اصالت فوق‌الذکر مورد تأکید قرار نگرفته است. تحلیل‌های استاد مایل هروی قابل توجه و گاه براساس تجربه‌های کاتبان است.

- مقاله «ترقیمه» به‌قلم مزده کمالی‌فر است و بیشتر از روی فرهنگ‌نامه‌های عمومی مانند: لغت‌نامهٔ دهخدا، دایرةالمعارف فارسی، آندراج، دانشنامهٔ ادب فارسی، به‌گردآوری تعاریف ترقیمه پرداخته است و توجهی به‌منابع دست اوّل و نسخه‌های خطی و نمونه‌های ترقیمه‌ها ندارد.

- هردو مقاله فاقد اشاره به‌علت ترجیح «انجامه» یا «ترقیمه» هستند و ظاهراً نویسندگان از کار یکدیگر بی‌اطلاع بوده‌اند. برخلاف رسم دایرةالمعارف‌نویس، در هردو مقاله هیچ‌ارجاعی به‌آن دیگری نشده است و شاید هم مسئولان مدخل‌یابی، فرق این دو مدخل را نمی‌دانستند. به‌هر صورت منتظر می‌مانیم تا مقاله کلفون در جلد دوّم یا سوّم این دایرةالمعارف به‌چاپ رسد و شاید جمعی بین این دو مقاله به‌دست آید.